



محرومیت زن در اسلام



اکبر کشاورز

زنان از ابتدای ظهور اسلام در محدودیت ها و محرومیت های بسیاری بوده اند که در هیچ جای صفحات تاریخ نمی توان نمونه آن را یافت، برای روشن شدن بحث به توصیف فضای ذهنی کسانی باید پرداخت که این محرومیت ها را به زن مسلمان گوشزد می کنند و آزادی زنان تمدن خود را به رخ عالم می کشند. سالها پیش سردمداران بزرگترین امپراتوری ها قانونی را نهادینه کرده بودند که زنان در دوران عادات ماهانه خود چنان امکانی داشتند که به اجبار بیرون شهر بروند و تا پاک شدن در آنجا بمانند.

این همان جایی است که اسلام زن را محدود می کند و در این دوران زن را از عبادت واجب هم حتی بی نیاز می کند، اگر قدمهای تاریخی خود را صدها سال جلوتر بگذاریم زنان در شان و منزلتی قرار میگیرند که هیچ مردی- طبق گفته حامی حقوق زنان- لیاقت ازدواج با آنها را ندارد و تنها کسی که این شایستگی را دارد «سگ» اوست، اسلام زن را در مقامی نمی بیند که چنین حقی برای او قائل شود و این هم قطعاً از محرومیت های زن در اسلام است.

بزرگان احیای حقوق زن که غالب، مردان هستند پا را بسیار فراتر گذاشتند و زنان را به عنوان نیروی کار ارزان برای کارخانه های خود به کار گرفتند و ظرفیت وجودی او را بسیار گسترده تر از آن دانستند که به مانند اسلام او را گل بهاری بنامند نه پهلوانی قدرتمند. باز هم اسلام زن را محروم کرده است، از دستان پینه بسته و اورا مأمور تربیت و هدایت نسلهای بعدی قرار داده است. این حامیان دلسوز به محرومیت های دیگر هم اشاره کرده اند محرومیت از الزام هزینه کردن مال و اموال خود برای شوهر.

محرومیت ها به همین جا ختم نمی شود چون اسلام زن را فقط «زن» میخواند و بازم او را محدود کرده است که به سان زن غربی نمی تواند مرد بودن را تجربه کند.

گفتگو حنیفا با دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

چرا با حجاب نیستم؟

- خانم های چادری مثل مادر هامون بیشتر مورد احترام هستند
- نیش و کنایه های اطرافیان باعث شد حجاب را کنار بگذارم
- به خاطر برخورد هایی که با من شد، خواستم باحجاب نباشم

چرا با حجاب هستم؟

- حجاب باعث میشه من با آرامش در خیابان حضور پیدا کنم
- سومین روزی است که چادری شده ام
- بی حجاب ها امنیت من را سلب میکنند



چرا اجبار؟

گاهی اوقات شنیده میشود که:

«اگر حجاب امر مثبتی است و پشتوانه منطقی و عقلاتی دارد، جامعه را آزاد کنید تا روح حق طلب جوانان به سمت این تفکر منطقی تمایل پیدا کند!»

همیشه محدودیتها و سازمانهایی برای محدود کردن مضرات وجود داشته اند و بارها و بارها با آنها سر و کار داشته ایم و داریم و الزام و رعایت

رانندگان را امری منطقی میدانیم و الزام قانونی آن را تازیه ای برسر آزادی تلقی نمیکنیم، ولی جلوگیری از بی حجابی که مسمومیت فکری و فرهنگی به وجود می آورد را الزامی منفی تلقی میکنیم؟! اگر در پاسخ بنده خواهید گفت که علوم انسانی را با علوم تجربی مقایسه نکنید یا با توجه به توصیه پزشکان میلیون ها نفر سیگار



تکیه بر عقلانیت منصفانه به حجاب اجباری در قفسه سیگار

میکشند، باید بگویم: علوم انسانی به اعتراف خیلی ها پر اهمیت تر و حساس تر از علوم تجربی است و دوم این که مثالهایی مانند سیگار کشیدن، یک ضرر فردی است نه اجتماعی، یک فرد سیگاری تا حد فوت خود میتواند سیگار بکشد، و این متفاوت است با بی حجابی که به غیر از امنیت خود آزادی چشم ها را هم سلب می کند.

حجاب یک اجبار منطقی است، الزامی که راه کشف و شناخت فلسفه و مبنایش باز است، یک امر که تنها در اجتماع واجب میشود و برای سلامت جامعه است. در سال ۱۹۹۱، حدود ۲۰۰ هزار زن در ارتش آمریکا مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند که این آمار در سال های نزدیک به ۲۰۱۳ به حدود ۵۰۰ هزار تجاوز رسیده است) و یک بحث فرهنگی است را الزامی منفی میدانیم که طغیان جامعه را بعد از مدتی به همراه دارد؟! در عجب هستم جلوگیری پلیس راهنمایی و رانندگی به دلیل برهم خوردن حواس

بدر مقاله



محمد حسین تیرآور

«مردم را که نمی شود به زور به بهشت برد!» «اگر

حجاب را در جامعه اجبار کنیم، اخلاق ضایع میشود!» اگر در جامعه اجبار بکاریم لجبازی باید درو کنیم...»

اینها بخشی از شبهات نسبت به حجاب در جمهوری اسلامی است.

این سؤال غلط است که آیا در ایران حجاب اجباری است یا خیر؟ واضح است که در ایران حجاب یک اجبار است ولی متأسفانه هیچ وقت پرسیده نمی شود چرا اجبار؟

فقط سوار بر جو منفی کلمه ای مانند اجبار به سمت حجاب تاخته میشود. ابتدا باید بگویم که همین اجبار حجاب را نباید مطلق

به حساب آورد، زیرا در این صورت بخشی از افرادی که هر روز در دانشکده حضور دارند مجرم هستند، چون آنها حجاب ندارند ولی

میبینم که هزاران هزار نفر در شهر بدون حجاب مناسب و اساسی حضور دارند و کسی کاری با آنها ندارد.

(به نظراتان تعداد گشت ارشاد های شهر ما چقدر است؟)

متأسفانه مشکل از جایی آغاز می شود که به اجتماعی بودن حکم و مسئله حجاب توجهی نمی شود و تصور می شود حجاب یک امر شخصی است. در صورتی که حجاب در فردیت و تنهایی فرد معنایی ندارد. آیا به زنان در خارج از اجتماع دستور به حجاب داده شده است؟

حجاب اسلامی که مد نظر است، وقتی تعریف پیدا می کند که بحث از ورود به جامعه باشد. عدم حجاب به واسطه نا امنی که برای فرد مونث به وجود می آورد و از جهت ناراحتی و اضطرابی که برای متأهلین و افراد مذکر به وجود می آورد، وجوبش لازم میشود. حال سؤال مطرح این است که چرا باید؟ و چرا اجبار؟

دل نوشته

خاک پاک

علی عسگری

تو را ای خاک پاک چه شده است که چنین جاذبه ای پیدا نموده ای که دل مردمانی را از این همه سرزمین های زیبای شمال و غرب و شرق بر گرفته و به درون خاک های لم یزرع خود می کشانی . به راستی که چه چیز به تو این جاذبه را داده . مگر نه این است که نظیر این خاک در جهان بسیار است بلکه بهتر . کدام بنده پاک در خاک تو به معراج رفته و یا کدام عارف در خاک تو واصل شده است که چنین فضیلتی را یافته ای . آیا جواب این سوال چیزی جز خون نیست . خون بنده که در راه محبوب بر هر جا بریزد آنجا محل عروج و نزول افلاکیان است . کرپا اولین مصداق این سخن است و بیابان های طلائی و فکه مهر تایید آن . و چگونه این چنین نباشد که روزی یاران خمینی با ریختن خون خود این اصلی ترین عامل پیوند روح آسمانشان با این تن زمینی از صدره المنتهی شلمچه و جزایه گذشتند و بال جبرائیل عقل را سوزاندند و به قلاب قوسین رسیدند . در این کربلای ثانی خون هزاران حبیب و زهیر ریخته شد تا بلکه نقطه ننگی گذاشتند محو شود . حالا تو خود بگو خاکی که در آن خون خدا بریزد چگونه به میقاتی این چنین تبدیل می شود . اما این خاک را چه در روز نخست بخشیده بودند که چنین لیاقتی یافته که رازدار کل تاریخ باشد . امسال هم طبق رسم عشاق جماعتی اهل دل ندای الرحیل نسیم صبا را شنیده اند و توشه برگرفته، تا پا در این سفر آسمانی گذارند شاید با گریه و زاری بتوانند اندکی از آن سر که شهدا در دل خاک به امانت سپرده اند آگاه شوند اما افسوس که این خاک را با شهید سری است که گر سرش برود فاش آن نخواهد کرد. ولی تو ناراحت نباش ، کدام قفل است با گریه باز نشود که گریه حیات قلب هاست و آن قتیل العیرات کشته شد تا ما بگرییم و بدینوسیله خدا را به قلب هایمان بخوانیم . پس تو هم هر چه سریع تر راهی شو تا وقت در جهان خاکی هست ، از آن خاک آسمانی بهره ای ببری. وعده ی ... با عشاقش جایی جز قتلگاه نیست که خود این گفت و چه زیبا گفت : هرکس مرا بخواهد می یابد و هرکس مرا بیاید دوستم می دارد و هر کس دوستم دارد عاشقم می شود و هر کس عاشقم شود عاشقم می شوم و هر کس عاشقم شوم او را می کشم و هر که را بکشم خود خون بهای او هستم . حالا چگونه می خواهی که میقات عشاق جایی به غیر از قتلگاه باشند که گردنها را باریک آفرینند تا در آنجا راحت از تن جدا شوند . یاران خمینی پس یاران کربلایی حضرت عشق این را بهتر از هر عارف و زاهدی یافتند آنچه که ما اینجا می خوانیم و می شنویم بسیجیان خمینی همه را چشمیده اند . پس دیگر این همه بهانه برای چه که در صحرای محشر پایم لنگ بود و قسمت نشد مورد قبول نیست . وعده ما کربلای دلتا ، راهیان نور .



گاهنامه اجتماعی، علمی، سیاسی «حنیفا»

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

مدیر مسئول: حسین کیانی طادی

سر دبیر: محمد حسین تیرآور



سایت بسیج دانشجویی دانشکده:

BASIJ-CS.BLOG.IR

ایمیل نشریه:

basij.Journal@chmail.ir

سامانه پیامک نشریه:

۵۰۰۰۲۴۴۴۲۴

لطفا کمی منطقی تر باشیم...

چرا با حجاب هستیم؟

حجاب به نظر من چیزیه که باعث میشه من با آرامش در خیابان حضور پیدا کنم

دانشجوی برنامه ریزی، ورودی ۹۳:

حجاب به نظر من چیزیه که باعث میشه من با آرامش در خیابان حضور پیدا کنم و چیزیه که باعث میشه افراد سوذجو ازمن سوءاستفاده نکنند شاید خیلی کلیشه ای بنظر بیاد ولی واقعا من به این جمله رسیدم که حجاب محدودیت نمیاره و مصونیت میاره، درباره حد و حدودش هم باید بگم که برای هر کس به جور تعریف شده که حدش رو فقط نمیتونیم در چادر خلاصه کنیم وگرنه این که خیلی از کسانی که چادر سر نمیکنن حجابشون خیلی بهتر از افرادی است که چادر سرمیکنند من اینو خیلی با صراحت از طرف افرادی عرض میکنم ک خودش چادری ست. تاریخ و تمدن کشور خودمون رو که نگاه میکنم و همچنین تو نگاه اسلامی همیشه حجاب مطرح بوده. تو شعر ها و ادبیاتمون مفهوم زن همیشه با ارزش بوده حتی قبل ورود اسلام « هر چیز ارزشمندی مثل یه رازه» یکی از دلایل چادری شدنم دنیوی بود و منشا اون همین بود ولی الان دیگه واقعا نگاه دیگه ای دارم نه که بخوام منت بذارم سر خدا ولی حجاب رو بعنوان یه حکم الهی نگاه میکنم.

نگاهها قبل روی من سنگین تر بود، الان حداقل نگاه جنسی به من نیست

دانشجوی روابط عمومی، ورودی ۹۱:

سومین روزی هست که چادری شدم ولی قبلش هم موهامو می پوشوندم.سخته ولی شیرینه.جوگیر هم نشدم که بگم همه چی عالییه.نگاه ها قبلا روی من سنگین تر بود، الان حداقل نگاه جنسی بهم ندارند؛ یه انگیزه دیگه هم داشتم و اون هم به خاطر کسی هست که دوستش داشتم و دوست داشت محجبه باشم من هم قبول کردم.

حجاب یک تکلیف اجتماعیست برای حفظ خانوادهها

دانشجوی تعاون و رفاه، ورودی ۹۰:

حجاب یک قانونه تو جامعه ما و کسی که حجاب نداره یعنی قانون رو زیر پا گذاشته قبل از هر چیزی!تو همه کشور ها هم همینطوره. قانونش رو باید رعایت کنن. اما از لحاظ دینی فکر کنم قبلا از اون باید به عفاف بیردازیم که هم بین آقایون وجود داره هم خانم ها. عغیف بودن یعنی تو همه کارهایی که انجام میدیم یک حیایی داشته باشیم. اما در خصوص حجاب که تو جوامع اسلامی مطرحه و البته با توجه به عرف جامعه تعریف میشه باید بگیم به تکلیف اجتماعی محسوب میشه.نهاد خانواده خیلی بین مسلمون ها اهمیت داره از این جهت هر چیزی که برای خانواده تهدید محسوب میشه باید از بین بره یا تعدیل بشه. حجاب رو هم میشه از همین دیدگاه نگاه کرد. نگاه های مردان ممکنه آلوده بشه با پوشش های نامناسب ، و ممکنه مشکلاتی برای نهاد خانواده به وجود بیاره. بنابراین زنان موظف میشن این تکلیف اجتماعی رو رعایت کنن.قبل از هر چیز به خاطر پایدار موندن نهاد خانواده ما. خب طبیعتا درعوضش حقی هم دارند و اون هم اینه که زنان دیگه هم این تکلیف رو در برابر پدران و پسران و همسران اون ها ادا کننند. این نظر رو هم قبول ندارم که مردها خودشون نگاه نکنند، مثل اینه که بگی آدم بره دم حوزه علمیه آخوند نبینه...تو جامعه بالاخره نگاه ها به خیلی از چیز ها می افته و این طبیعیه. اینطوری حجاب یک نوع از خودگذشتگی هم محسوب میشه حتی. اما اینکه چرا خودم چادری شدم راستش خانوادم خیلی ریلکس منو به حال خودم گذاشتند!از خیلی جهات مستقل بودم متاسفانه یا خوشبختانه.تجربه ای که بعد از چادری شدنم دارم اینکه ، تو با یک تیر هر چند تا نشونو بخوای میزنی و فقط از یک چیز محروم میشی که اون هم تعریف و تمجید های بقیه ست که خب من به این احتیاج ندارم. البته از طرف هر کسی.بعد از چادری شدنم در واقع احساس امنیت میکنم کاملا.با چادر سر کردن نصف و نیمه یا با آرایش، هم کاملا مخالفم.بالاخره یا تو چادری هستی یا نیستی.تکلیفت رو با خودت باید مشخص کنی.

حجاب باعث می شود که من از خیلی کارها راحت دست بکشم

دانشجوی برنامه ریزی ورودی ۹۳:

حجاب یه چیزیه که منو از خیلی چیزا باز میداره.وقتی حجاب داری خیلی کارها رو نمیتونی انجام بدی.حجاب این انرژی رو به من میده که من از یه سری کارها راحت دست بکشم .همه میدونیم گناه شیرینه و همه دوست داریم خودمون رو مطرح کنیم به نوعی. ولی حجاب باعث میشه این مساله رو ببینی که تو دیگه نمیتونی کارهایی رو انجام بدی. از یه نگاه دیگه بهت نگاه میکنن و تو هم با یه دید نگاه میکنی به بچه های دیگه.وقتی چادر سرت هست یه پسر جرات نمیکنه بیاد و باهات گرم بگیره مگه اینکه خودت بری سمتش. من خودم آدمی هستم که مانتو رو هم قبول دارم اگه واقعا آدم رو با حجاب کنه و از اون طرف از پوشش یه سری چادری ها متنفرم.چادری هایی که اصلا دوست ندارم باهاشون راه برم! من چادر سر میکنم چون برترین حجابهاشاید این کلیشه شده باشه ولی چادر یه سنگینی و حجب و حیای خاصی داره که تو نمیتونی تو یه دختر مانتویی ببینی. اولش اجبار خانواده بود و یه مدتی واقعا از چادر بدم می اومد.چون باعث تمایزی بین من و دوستانم بود ولی بعدها متوجه شدم یه احساس امنیت و آرامشی که دارم با چادر دارم. بعد متوجه شدم نه!واقعا چادری ها دنیای متفاوتی دارند که همه اون هایی که واقعا چادر رو از سر عشق سر میکنن کلی حس خوب دارند.

بی حجاب ها امنیت من را سلب میکنند

دانشجوی روابط عمومی، ورودی ۹۰:

ببینید شاید ظاهرش اینطور بنظر بیاد که خانوم هایی هستند که مثلا میخواهند موهاشون پیدا باشه و بخاطر این قانون نمیتونن اینکار رو بکنند، اما واقعیتش اینه که از نظر من اون کسی که باید ناراضی باشه اونها نیستن، من خودم رو به عنوان یک دختر چادری محق تر میدونم برای ناراضی بودن، چون فکر میکنم اونی که به هنجار جامعه داره عمل میکنه منم، نه اون خانوم که پوشش کاملا نا به هنجار هست، من فکر میکنم اونی که داره آزادیش سلب میشه امثال خودم هستن، منم که وقتی توی جامعه اسلامی هستم، با وجود اینکه دارم مطابق با قانونش عمل میکنم، اما بازم با استرس کنار همسرم راه میرم و همش باید نگران باشم که نکنه خانومی با پوشش زنده ای جلوی چشم همسر من بیاد، خب اونی که داره اذیت میشه منم و همسر من که یک مرد مذهبییه و همش باید سرش پایین باشه توی خیابون و شهر که راه میره، چرا؟؟ چون یه سری خانوم هستن که حاضر نیستن قانون رو رعایت کنن ..

چرا بی حجاب هستیم؟

به خاطر بر خورد هایی که با من شد، نخواستیم باحجاب باشیم

دانشجو رشته مدد کاری ورودی ۹۳:

من بیشتر به حجاب آقایون معتقدم! همیشه میگن حجاب برای خانوم هاست در حالیکه من تاکیدم روی نگاه آقایونه حنیفا! چرا چادر سرتون نمیکنید؟! راستش من قبلا با حجاب تر از این بودم اما بعد به خاطر برخوردهایی که باهام شد تصمیم گرفتم مثل قبل نباشم. قبلا یه ذره اگه موهام می اومد بیرون بهم گیر میدادن ولی الان دیگه نه! این منم!به خودم مربوطه!به من ربط داره! حنیفا!ان گشت ارشاد بهت گیر نمیده؟! دیگه اونقدرم افتضاح نیستم!(لبخند)یه چند بارم خودم شیطنت آمیز یه طوری که بهم گیر بدن از کنارشون گذشتم ولی بهم چیزی نگفتن.

بیشتر با حجاب روی سر مخالفم

دانشجو رشته ارتباطات، ورودی ۹۱:

موافق حجاب نیستم.دوشس ندارم.یه چیز مسخره ایه! به نظرم تا جاییش خوبه ها ولی همیشه نه! مثلا مردی که ۷۰ سالشه جای بابا بزرگ منه یا پسری که از بچگی با هم بزرگ شدیم چرا باید به من نامحرم باشه؟! ولی جلو یه آدمایی باید حجاب داشته باشی وگرنه کلاهیت پس معرکه ست. حجاب داری میخواد بخورت حجاب نداشته باشی که اصلا هیچی. میدونی من بیشتر با حجاب روی سر مخالفم ولی لباست باید مناسب باشه یه طوری باشه که بدنت خیلی مشخص نباشه ولی خب روسری نداشته باشی که مشکلی پیش نیماهد به نظرم. تا حالا چادر سرت کردی؟ من اوایل دانشگاه می اومدم چادر سر میکردم ولی بعد به خاطر یه دلیل مسخره گذاشتمش کنار... چون زمستونا چادر خیلی پدءآدمو گنده میکنه! بیرون مانتویی بودم ولی گفتم دانشگاه برا اینکه بهم گیر ندن که چرا مانتوت اینطوریه و این رنگیه چادر سرم کردم ولی با پالتو و اینا خیلی بد میشه آدم! در کل چادری نیستم. ولی یه جاهایی به نظرم حرمت داره مثل محرم، ماه رمضان، مراسم های مذهبی و مشهد که آدم باید چادر سرش کنه. حنیفا!تا حالا گشت ارشاد بهت گیر داده ؟ نه بابایه اونایی که خیلی خیلی بد میگردن گیر میدن دیگه !

نگه داشتن چادر خیلی سخت است

دانشجو رشته تعاون و رفاه، ورودی ۹۰:

پوشش و حجاب همون چیزیه که عرف جامعه ست و دینی که من دارم. البته خدا به همه پیغمبر های اولوالعزمون مساله حجاب رو مطرح کرده ولی برداشت من اینه هر چیزی که میتونه محرک باشه برای جنس مذکر. حتی حضرت مریم رو هم ببینی حجاب داره همه زنان بزرگ دینی حجاب رو دارنند. حنیفا!چرا چادر سرت نکردی؟ چون اولا عرضه!ش رو ندارم و نگه داشتنش خیلی سخته و تابستونا آدم خفه میشه! بعد دوم اینکه دوست دارم با مقتعه و مانتو حجابم رو رعایت کنم. اجبار به نظرم تو جامعه ما هست تو حجاب!بعضی وقت ها که واقعا میبینم بی دلیل گیر میدن مثلا گشت ارشاد به موهای رنگ شده هم یه مدت گیر میداد! من با مانتوی کوتاه و ساپورت و اینا واقعا موافق نیستم وخصوصا تو محیط هایی مثل دانشگاه ولی تو جامعه خب شاید یکی داره میره مهمونی! نباید اجبار کنن! اختیاره هر کی دوست داشت بذاره هر کی دوست داشت برداره.

مهم این است که درونت پاک باشد

دانشجوی رشته تعاون ورفاه:

من به حجاب ظاهر خیلی اهمیت نمیدم به نظرم مهم اینه که درونت پاک باشه و حجاب باطنی مهم تره. ممکنه یکی حجاب داشته باشه ولی دورنش اینطوری نباشه.

تحت تاثیر محیط است که حجاب را رعایت نمی کنم

روابط عمومی ۹۱:

به شخصه میگم خوبه. اسلام و اینا کار ندارم چون باعث زیاد شدن عزت نفس میشه و هر کسی نمیتونه بهت نگاه چپ بکنه ولی خودم آدمی هستم که تحت تاثیر محیط قرار می گیرم ولی از اینای که اینجا هستند خجالت میکشم(کانون قرآن وعترت،بسجیح خواهران).همیشه تو ذهنم هست با حجاب بشم.اینم هست که وقتی زیبایی هات رو میبینی و همه دوست دارن زیبا باشن.همین مورد تحسین واقع شدن خیلی حس خوب میده بهت. اما به حجاب کاملا معتقدم. اگه میخوای مورد احترام واقع بشی و کسی جرات نکنه بهت متلک بندازه باید پوشش مناسب داشته باشی اما خب چادر ی ها هم تازگی ها خیلی بد لباس میپوشن!چادرشون کاملا بازه یا مانتوشون کوتاهه و مشخصه. محیط خیلی روی من تاثیر گذاشته. شاید حجابی که تو دانشگاه دارم تو محیط خودمون ندارم. به خاطر سختیش چادر سر نمیکنم و با استفاده هایی که بعضی ها از چادر میکنن هم بدم میاد.فکر میکنم خانم های چادری مثل مادر هامون بیشتر مورد احترام هستند تا ما ها.

نیش و کنایه های اطرافیان باعث شد حجاب را کنار بگذارم

دانشجوی روابط عمومی ۹۰:

حجاب یه حریمه که به یه عده اجازه نمیده پاشونو از حد خودشون فراتر بذارن و بخوان تو رو اذیت کنن.باعث میشه تو حریم خودت رو و شان خودت رو حفظ کنی من محجبه بودم ولی الان نیستم. وقتی چادر سرم کردم امنیت بیشتری داشتم.به اطرافیان نشون داد که حریم هاشونو حفظ کنند ولی نیش و کنایه ها بعد چادری شدنم از طرف خانواده و اطرافیان باعث شد بذارمش کنار. حتی اظهار نظر نمیتونستم بکنم! حرفم رو نمی پذیرفتن.در کل خیلی خیلی اذیت شدم. بعد از برداشتن چادر اطرافیان منو بیشتر پذیرفتن ولی حس خوبی نیست. در کل به نظر من حجاب باطن هم خیلی برام مهمه.لاک ها و آرایش های و روابط بعضی دختر های چادری خیلی بدتر از پوشش امثال ماست. اجبار تو کشور ما قانون حکومتیه و باید تو کشور اسلامی باشه ولی خب اگه یه کم آدم ها رو آزاد بذاریم شاید بهتر باشه. فشار بعضی از خانواده ها رو دیدم که بعد از اینکه بچه هاشون به سنی رسیدن که تونستن برا خودشون تصمیم بگیرن یه چیز افتضاحی شدن. یعنی اگه انتخابی باشه به نظرم. گشت ارشاد هم هیچ تاثیر نداشته و باید فرهنگ حجاب جا بیفته! ولی خب بعضی ها هم خیلی بد لباس می پوشن ولی با پلیس و زور نمیشه درستش کرد و باید فرهنگی کار کنیم.الانم گشت هست همه همون طوری که میخوان میگردن و فقط مردم رو لجباتر میکنه. کسانی که ارشاد میکنن خودشون باید بیشتر رعایت کننند. بعد برخوردهای گشت ارشاد خیلی بده من شنیدهام.

